تحقق تردی در نیت، تنها در فضای وجود دو امر

شاگرد۲: به نظر شما در کلام صاحب عروه تناقض است که بگوییم مطلق تقرب و ما فی الذمه. ما فی الذمه مشخص هست و آن مطلق است. بین این دو کلمه تناقض است؟

استاد: ببینید اگر بگوییم منظور من از مطلق، یعنی مطلق نزد جاهلی که نمیداند کدام یک از آنها است، تناقض نیست. اما اگر مطلقی است در قبال ان کان قبلی، آن جا دیگر بلافارق میشود. چرا؟ چون آن جا هم همین بود.

شاگرد: یعنی ایشان در هر مورد یک حیثی را نظر کرده است. هر دو دو حیثیت را دارند. در سومی یک حیثیت را نظر کرده و در چهارمی یک حیثیت را نظر کرده.

استاد: ولی مشکل این است که حیثیت را در سومی مبطل دانستهاند، آن هم نه بهخاطر اینکه محقق فرمودهاند اشبه؛ یعنی از ما خواستهاند که نیت شعبان کنیم. البته اشعار عبارت سید به این است که من که در فرض قبلی گفتم باطل است، بهخاطر تردی در نیت است. چرا؟ چون اگر به این خاطر بود که مشکل این است که من باید نیت شعبان بکنم تا درست باشد، در چهارمی هم که نیت شعبان نکردم. به این خاطر است که عرض میکنم مشکل سید در سومی تردی در نیت بوده.

شاگرد: در تردی در نیت باید دو امر فعلی باشد؟ مثلاً یک امر به قضا دارد و یک امر استحبابی فعلی دارد. بگوید یک روزه میگیرم برای هر کدام از این دو تا.

استاد: بله، آن خوب است. میگوید امروز یک امر استحبابی دارم ای یک امر وجوبی. ای دو امر وجوبی دارم. امروز روزه را میگیرم ای کفاره باشد ای قضاء باشد. این میشود تردی در نیت. یعنی دو امر است که میگویم ای این است ای آن است. مثل اینکه میگوید این مال من ای ندب و صدقه باشد ای زکات باشد. این تردی در نیت است. چون دو امر جدا است. اما آن جایی که یک امر است که روشن و مشخص است و هیچ تردیدی در ثبوتش نیست. هیچ تعددی در ثبوتش نیست و مکلف هم قاصد همین است، فقط میگوید ان کان و ان کان آن به من جاهل بر میگردد نه به نیت من در آن امر معین. در اینجا تردی در نیت ندارم. اصل عرض من این است. نیت دارم ای ندارم؟ بله دارم. نیت مطلقه دارم؟ مطلقه ندارم. شخص امر امروز را قاصد هستم. اینکه مطلق نیست. دو تا امر نیست که مطلق باشند و از آنها جامعگیری کنم. ثبوتا یک امر معین است که من هم قاصد آن هستم. فقط چون نمیدانم میگویم اگر این است، این و اگر آن است، آن. بعداً هم معلوم است، درواقع هم معلوم است. من هم دو نیت ندارم. یک نیتی دارم که تردی از ناحیه جهل من است. نه از ناحیه خود واقع. در واقع هیچ تردیدی نیست. در این بیان اخیر من نیت مردد میشود ای نمیشود؟ نمیشود.

شاگرد: عرض من این است که این همان چهارمی است.

استاد: خب سید سومی را چطور ابطال می‌کند؟

شاگرد: در سوم تا لیش نیت می‌شود. اگر ماه رمضان بود نیت من این است که روزه من روزه ماه مبارک است. اگر ماه شعبان بود نیت من روزه ماه شعبان است. خب الآن نیت من مردد است.

شاگرد۲: غیر معقول است که کسی به این صورت نیت کند ولی کسی به این صورت نیت کرد.

استاد: قبل از اینکه به این فرض برسیم عرض می‌کنم وقتی به کتاب فقهی مراجعه می‌کنیم ما با یک چیز دم دستی و ارتجالی مواجه نیستیم. وقتی فقیه یک فرعی را می‌گوید مثل شاخه درختی است که در کل کتب فقهی ریشه دارد. سید این فرض سوم را الآن در نیاورده‌اند. این فرضی است که در متن شرایع هست و قبل از آن هست و ریشه‌دار است. فقها چقدر روی آن بحث کرده‌اند. لذا سید و دیگران هم دارند. پس نمی‌شود ما آن‌ها را نبینیم و تنها عبارت عروه را ببینیم. آن‌ها هم در مقصود خودشان فرمایش کرده‌اند.

الآن ایشان می‌فرمایند اگر ماه مبارک است، نیت من این است. اگر ماه شعبان است نیت من این است. اینجا الآن نیت من کدام است؟ معلوم نشد نیت من کدام است.

شاگرد: طبق فرمایش ایشان شما اصلاً نیت ندارید. اسم آن تردید در نیت نمی‌شود.

شاگرد۲: یکی از ایرادات تردید این است که امر مردد اصلاً موجود نمی‌شود.

شاگرد: پس امر محال است.

استاد: ببینید تردید در نیت یعنی نیت مردد یا نیت غیرمحقق؟ دو بحث می‌شود. شما وقتی می‌گویید نیت مردد مبطل است، بیان شما این است که ما اصلاً نیتی نداریم. می‌گوییم حالا نیت تو چیست؟ می‌گوید هیچی. خب این نیت مردد نیست. این فقدان نیت شد. اما درجایی‌که می‌خواهند بگویند نیت مردد مبطل است، می‌خواهند بگویند نیت نیست؟ یا نیت هست اما نیت مردد مبطل است؟ بیان شما نیت را برد. می‌گوید اگر آن است نیت من آن است، اگر این است... . خب حالا نیت شما کدام است؟ می‌گویید هیچ‌کدام. معلوم نشد. چون واقع را نمی‌دانید پس برای من هم نیتی نیست. جامع این‌ها را نیت کرده؟ الآن چه کاری کرده؟

> 54:47

شاگرد: مثل مثالی است که فرمودید عدد یا زوج است یا فرد است. حالا عدد زوج است یا فرد است؟ در ذهن عرف هم در اینجا همینطور است. نیت من ماه رمضان یا ماه شعبان است؟ هیچ‌کدام. اگر بخواهیم دقیق نگاه کنیم می‌گوییم هیچ‌کدام از این نیت‌ها در اینجا محقق نیست. ولی عرفا می‌گویند نیت هست. اما بالدقه نیت نیست.

استاد: البته عبارت سید که قبل از آن «علی» را می‌آورند، فرمایش شما را دور می‌برد. «ان یصوم علی انه»؛ یعنی «علی انه» سر کل جمله در آمده است. نه اینکه «علی انه» تکرار شود.

شاگرد: من می‌خواستم فرق بگذارم که چرا دو تا کرده‌اند.

استاد: متوجه هستم. ما هم روی همین بحث می‌کنیم. آیا مرحوم سید در فرض سوم که آن را تردید در نیت حساب کرده‌اند، چطور حساب کرده‌اند. شما هم می‌خواهید همین را بگویید. من روی حساب ریشه این عبارت در سائر کتب عرض کردم از سید خیلی عجیب است. استعجابی هم که من کردم از

شما می‌خواهید جواب بدهید که سید سوم را طوری معنا می‌کنند که به تردید در نیت برگردد. الآن با این فرض‌هایی که شما فرمودید می‌گویند برگشتش هم به فقدان نیست است، ولو همین فقدان نیت مسامحتا نیت مردد و عدم جزم در نیت می‌شود.

شاگرد: می‌تواند نیتش جزمی باشد اما تردیدش در تطبیق بر مستحب ای واجب بودن آن باشد. مثل صدقه که ای صدقه تطوعی باشد ای واجب باشد. جازما من صدقه می‌دهم ولی نمی‌دانم واقعاً مال هست تا این صدقه واجبه شود ای اگر نیست این صدقه تطوعی است. نیتش به این صورت جزمی باشد و تردید در انطباق واقع باشد.

استاد: غیر از بحث زکات را می‌گویید؟

شاگرد: صورت نیت را عرض می‌کنم. جازم در نیت است. مثل زکات جازم در این باشد که من دارم صدقه می‌دهم و تردید من در این است که این صدقه‌ای که من می‌دهم مصداقی از صدقه واجب است ای مستحب؟

استاد: همان جا وقتی شما در نیت هم جزم نیاوری، شما می‌توانید به یک نیت محقق در طول او آن را برگردانید ای نه؟ مثلاً می‌گویید اگر امروز ماه شعبان است، پس نیت من این است که از شعبان باشد. اگر امروز ماه مبارک است پس نیت من این است که روزه ماه مبارک باشد. پس نیت من کدام است؟ من نیتی دارم در طول این دو تا. نیت من این است که ای این نیت است ای آن نیت. می‌خواهم در طول آن را به جزمیت برگردانم. نیت من کدام است؟ نیت من این است که اگر این است و اگر آن است. به عبارت دیگر باز به استدلال اول برگردانیم. وقتی سر و کار شما با دو شرطیه هست، وقتی دو شرطیه جزمی باشد، از مجموع آن‌ها تردید حاصل نمی‌شود. مجموع آن‌ها باز جزمی است. نیت من کدام است؟ نیت من همین است که اگر این است و اگر آن است. یعنی باز من دو جلوه نیت دارم که در طول او یک نیت جزمی، هر دو را پشتیبانی می‌کند. الآن به این بیان نیت را گفته‌ام ای نگفته‌ام؟

شاگرد: نه، تنها اسم آن عوض شد. من جازم هستم که تردید دارم. یعنی بر تردیدم جازم هستم.

استاد: جازم بر تردید جزمش دروغی است؟

شاگرد: دروغی نیست ولی در اینجا اثری ندارد.

استاد: اتفاقا اثرش این است که بعداً سید، قصد قربت مطلقه را به همان بر می‌گردانند. یعنی همان جا قصد قربتی که سید در مجوز کار می‌گیرند آبشخور آن و مبدأش همین جازمیت در ذهن است. لذا مرحوم سید تعبیری به ذهنی کردند. گفتند «ذهنه». ذهن چیست؟ همان تردید آن جا را در ذهن برداشتن و گفتند نیتش قربت مطلقه است. یعنی او در قربت مطلقه جازم است. در ذهنش این است که «اما آن ای آن». ذهن با نیت چه فرقی می‌کند؟ معلوم می‌شود نیتی که در چهارمی می‌گویید نیت جازمی است در طول آن دو.

شاگرد: یعنی یک جامعی داشته است. و الا اگر جامعی نداشته...

استاد: فرض ما جامع داشتن است. آن درست است. اگر می‌خواهید بگویید تردید یعنی شک، او که شک ندارد. او جازم است در مطلوب خودش. می‌گوید من جازما نیت دارم. نیت چه چیزی دارد؟ ای این نیت را ای آن نیت را. یک مخروط تشکیل می‌دهد، رأس مخروط این است که جازما من واو هستم. واو هستم که اگر این است، نیتم این است و اگر آن است، نیتم آن است.

شاگرد۲: می‌توان آن را به قضیه شرطی‌های تشبیه کرد که طرفینش کاذب باشد؟ قضیه صادق هست هرچند طرفینش کاذب باشد. در اینجا هم جازم هست، هرچند در طرفین نیتش تردید دارد.

استاد: تشبیه مانعی ندارد. اما فعلاً آن چه که منظور من است این است که این تردیدی که او دو نیت را می‌گوید، در طولش یک نیت جازمه‌ای است به‌خاطر این‌که واقع مردد‌ها یکی است. سؤال این است که عرض من درجایی‌که واقعش دو تا است، می‌آید ای نه؟ یعنی دو امر است و او به‌صورت طولی نیت کند. بگوید من نیت می‌کنم همانی را که گفتم باطل است. البته آقای حکیم می‌گویند آن اشکالی ندارد. مرحوم صاحب جواهر هم فرمودند. ایشان فرمودند: «نعم لو نوی صومه من رمضان ان کان کذلک و لم ینو صومه من شعبان، کان تردیدا فی النیه و مع ذلک فالا دلیل علی قطع مثله». یعنی حتی در آن جا مشکل نیست. «الا کان موجبا لابهامه». در بحث زکات وقتی «او» می‌آید شما می‌توانید بگویید من نیت دارم که این مال من ای صدقه ندبیه است ای صدقه واجبه است. این تردید می‌تواند این طولیت را درست کند ای نه؟ این طولیتی که من الآن گفتم این مانحن فیه را درست می‌کند چون یک امر است. خیلی روشن است. این طولیت جزمیت در نیت را سر می‌رساند. اما آیا آن جایی که دو امر هست را هم سر می‌رساند ای نه؟ یعنی من نیت می‌کنم این مال من ای زکات واجب ای صدقه باشد. دو امر جدا است و من هم یکی از این‌ها را قصد می‌کنم. می‌توانم بگویم من قاصد هر دو هستم ای نه؟ محال است ای نیست؟ به نظر بدوی شما کدام یک می‌آید؟ من به ذهنم محال نمی‌آید. می‌توان با همین طولیت آن را هم تصحیح کرد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 21 مه 2026 13:10:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 مه 2026 13:12:19 توسط ... .